



## Social, Structural and Individual Explanation of Women's Employability in Political Science

Hamid Masoudi<sup>1</sup> | Vahid Sinaee<sup>2</sup> | Fateme Zolfagharian<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran. E-mail: [hmdmasoudi@birjand.ac.ir](mailto:hmdmasoudi@birjand.ac.ir)
2. Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: [sinaee@um.ac.ir](mailto:sinaee@um.ac.ir)
2. PhD Student of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: [fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir](mailto:fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir)

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 13 September 2022

Received in revised form: 11 December 2022

Accepted: 31 December 2022

Published online: 29 November 2023

#### Keywords:

Employability, female graduates, political science, Ferdowsi University of Mashhad

The employability of graduates, especially in humanities, is one of the important issues in the field of education, and considering the high volume of admissions in universities, it is very important to investigate this issue. This study aims to examine the relationship between female political science graduates' employability and their engagement in continuing education.

Two research methodologies were employed: secondary analysis of data obtained from the educational system's alumni information system, with a specific emphasis on graduation rates and gender distribution. Graduates were surveyed via telephone with regard to their employment status, motivations, and reasons for continuing their education.

There is a high graduation rate (80%) in political science, with women comprising 53% of graduates and holding the majority of top positions (51%). The telephone survey revealed a 51% employment rate among graduates, with most employed in the public sector on full-time contracts. Financial independence was cited by graduates as the principal incentive for securing employment, while unemployment was primarily attributed to a dearth of opportunities. Continuing education was identified as the primary impetus for these individuals. Regression analysis revealed that employment is influenced by variables such as city residence in Mashhad and involvement in student organizations (both on and off campus), which presumably offer opportunities for skill development.

The study suggests a link between continuing education, participation in student organizations, and employability among female political science graduates.

**Cite this article:** Masoudi, H.; Sinaee, V & Zolfagharian, F. (2024). Social, Structural and Individual Explanation of Women's Employability in Political Science. *Social Studies and Research in Iran*, 13(1): 127-144. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.344351.1315>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.344351.1315>



## تبیین اجتماعی، ساختاری و فردی اشتغال‌پذیری زنان در علوم سیاسی

حمید مسعودی<sup>۱</sup> | وحید سینایی<sup>۲</sup> | فاطمه ذوالفقاریان<sup>۳</sup><sup>۱</sup>. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: [hmdmasoudi@birjand.ac.ir](mailto:hmdmasoudi@birjand.ac.ir)<sup>۲</sup>. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: [sinaee@um.ac.ir](mailto:sinaee@um.ac.ir)<sup>۳</sup>. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: [fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir](mailto:fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان بالاخص در رشته‌های علوم انسانی، یکی از مسائل مهم حوزه آموزش است و با توجه به حجم بالای پذیرش در دانشگاه‌ها بررسی این مسئله اهمیت بسزایی دارد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت ادامه تحصیل و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان زن رشته علوم سیاسی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۲	روش پژوهش به دو صورت تحلیل ثانویه اطلاعات موجود و پیمایش تلفنی بوده است. اهداف پژوهش براساس اطلاعات موجود در سامانه آموزشی و مصاحبه تلفنی با دانشجویان است. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته است که شاخص‌های مختلف اشتغال‌پذیری را پوشش می‌دهد و پس از اعتباریابی اجرا شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۲۰	یافته‌ها در سامانه اطلاعات فارغ‌التحصیلان نشان می‌دهد ۵۳ درصد فارغ‌التحصیلان این رشته در مقطع کارشناسی هستند که ۵۳ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. ۵۱ درصد سه نفر برتر در ورودی‌های این رشته زنان بوده‌اند. میزان فارغ‌التحصیلی در این رشته در بین تمام دانشجویان، ۸۰ درصد در هر ورودی و بیشترین ترک تحصیل در سال ۱۳۸۸ با ۳۶ درصد بوده است. یافته‌های مصاحبه‌های تلفنی نیز نشان می‌دهد ۵۱ درصد افراد مورد مطالعه در حال حاضر شاغل هستند. آن‌ها بیشتر در بخش دولتی، به صورت قراردادی و تمام‌وقت مشغول به کارند. مهم‌ترین انگیزه برای اشتغال برخورداری از استقلال مالی، دلیل عدم اشتغال کمبود فرصت‌های شغلی، دلیل ادامه تحصیل علاقه به رشته و دلیل عدم ادامه تحصیل کم‌تأثیر بودن رشته عنوان شده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰	این پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل مؤثر در اشتغال دانش‌آموختگان، گرایش به زندگی در شهر مشهد و عضویت در تشکل‌های دانشجویی و تشکل‌های خارج دانشگاه است که زمینه مناسبی برای کسب مهارت دانشجویان ایجاد کرده است؛ بنابراین توسعه مهارت‌های شغلی در دانشگاه‌ها، برقرار ارتباط دانشگاه با جامعه و همچنین پیگیری وضعیت شغلی پس از دانش‌آموختگی می‌تواند زمینه اشتغال دانشجویان را افزایش دهد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۹/۸	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> اشتغال‌پذیری، دانش‌آموختگان، دانشگاه فردوسی مشهد، زن، علوم سیاسی.	

**استناد:** مسعودی، حمید؛ سینایی، وحید و ذوالفقاریان، فاطمه (۱۴۰۳). تبیین اجتماعی، ساختاری و فردی اشتغال‌پذیری زنان در علوم سیاسی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۱): ۱۲۷-۱۴۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.344351.1315>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.344351.1315>

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

میزان حضور و مشارکت زنان در دانشگاه که به‌مثابه نهادهای توسعه علوم و فناوری و تربیت متخصصان و دانشمندان است، دلالت بر توانمندی زنان و فراهم شدن بسترهای مشارکت آنان در توسعه کشور باشد. اصولاً یکی از بهترین و روشن‌ترین راه‌های رفع تبعیض‌های جنسیتی و تلاش برای بالندگی و شکوفایی توانایی زنان، گشودن عرصه‌های آموزش و آموزش عالی به روی آن‌ها است. زنان برخوردار از آموزش عالی قادر به ایفای نقش‌های فعالانه‌تر خانوادگی، اجتماعی و ایفای سطح مشارکت خویش در جامعه‌اند (محتشمی، ۱۳۸۳). دانشگاه نخستین جایگاهی بود که زنان توانستند در آن به دنبال احقاق حقوق ازدست‌رفته خویش باشند. امروزه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مرکز اصلی تربیت نیروی انسانی شناخته می‌شوند و زنان که نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند توانسته‌اند در آن رشد قابل‌ملاحظه‌ای بیابند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هر کشور به‌عنوان مکان عالی علمی، محل تربیت نیروی انسانی با توانایی‌های علمی و اعتمادبه‌نفس کافی، در ارائه تفکرات و راه‌حل‌های جدید و مبتکرانه هستند (قانع‌راد، ۱۳۹۸). حضور زنان در دانشگاه می‌تواند شاخصی برای نشان دادن شرکت آنان در امور فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد. همچنین پیامدهای وضعیت اقتصادی و فرهنگی اشتغال زنان در دوران پس از تحصیل هم لازم است که مورد توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی قرار گیرد. پژوهشی از این دست در مورد دانش‌آموختگان زن در گروه‌های آموزشی در دانشگاه مازندران نیز انجام شده است و نتیجه می‌گیرد که مخالفت خانواده، ازدواج و داشتن فرزند، مانعی در برابر اشتغال زنان جامعه محسوب نمی‌شود؛ درحالی‌که عوامل فرهنگی-اجتماعی دیگر از جمله عدم آشنایی با کارفرمایان، تبعیض‌های جنسیتی و عدم دسترسی به اطلاعات کاربایی و قوانین دست‌وپاگیر، از عوامل تأثیرگذار در عدم اشتغال زنان هستند که باید برای رفع این عوامل برنامه‌ریزی کرد. (صالحی، ۱۳۸۵).

بررسی روند مشارکت زنان در دانشگاه‌ها از بدو تأسیس تاکنون نشان می‌دهد گرچه به دلایل فرهنگی-اجتماعی، زنان دیرتر از مردان در عرصه‌های دانشگاهی وارد شدند، اما روند مشارکت آن‌ها همراه با رشد بوده است؛ به‌نحوی که می‌توان گفت هر جا و در هر زمینه‌ای توجهی به زنان شده است، آمار مربوط به حضور آنان بالاخص عرصه اشتغال رو به فزونی نهاده و فقط اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها سبب برهم‌خوردن این روند بوده است. از یک طرف دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایی یادگرفته‌شده در دانش‌آموختگان دانشگاهی متناسب با نیازهای بازار نیست و از طرف دیگر به‌خاطر مشکلات فضای کسب‌وکار، بازار کار کشش میزان عرضه دانش‌آموختگان دانشگاهی را ندارد. به نظر عزیز (۱۳۹۰) عوامل اثرگذار بر اشتغال دانش‌آموختگان را می‌توان به دو گروه عوامل داخلی و خارجی تقسیم کرد. عوامل خارجی مواردی چون مناسب نبودن فضای کسب‌وکار، مدیریت ناکارآمد در جذب دانش‌آموختگان متناسب با مشاغل مربوط، نبود ایجاد واحدهای اشتغال‌زا توسط بخش دولتی و خصوصی، نبود همکاری بین واحدهای صنعتی با دانشگاه، نبود سرمایه‌گذاری مناسب دولت در این زمینه، افزایش تقاضای زنان، متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و دیگر موارد را دربرمی‌گیرد. مواردی مانند نبود پل ارتباطی بین دانشگاه و دنیای کسب‌وکار، بی‌توجهی دانشگاه‌ها به کارآفرینی، نبود توجه کافی به مسئله پژوهش در دانشگاه‌ها، عدم تناسب محتوای دروس با نیازهای بازار کار، نقش و تأثیر تعداد دروس، عملی یا نظری بودن آن‌ها در زمره عوامل داخلی و از دلایل اصلی پایین بودن میزان تقاضا در بازار کار است. به بیان دیگر دانشگاه‌ها باید به پرورش و آموزش مهارت‌هایی در دانشجویان پردازند که پاسخگوی نیازهای بازار کار باشد (عزیزی، ۱۳۹۰).

کورنمان و نیومارک<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در پژوهشی به اثر مثبت جمعیتی نسل جوان بر نرخ بیکاری آن نسل پرداختند. آن‌ها تأکید کردند کاهش در سهم جمعیتی نسل جوان، اگرچه به‌صورت بالقوه می‌تواند بازار کار آن‌ها را بهبود ببخشد، ولی رکورد عمومی در کل بازار

<sup>۱</sup>. Koreman & Neumark

کار (برای پیر و جوان) در شکل افزایش بیکاری نسل مسن می‌تواند این کاهش سهم نسل جوان را کاملاً بی‌اثر سازد. بی‌اثر بودن شوک جمعیتی نسل جوان بر نرخ اشتغال این نسل مؤید همین نکته است. آن‌ها در ضمن، به تأثیرات «قوانین و ویژگی‌های نهادین» بازار کار بر انتقال شوک جمعیتی جوان به بازار کار اشاره می‌کنند. استپلون و یانگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، به بررسی تأثیر شوک جمعیتی بر نرخ بازدهی تحصیلات (به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری) پرداختند. آن‌ها با فرض اینکه جایگزینی نیروی کار جوان و پیر با افزایش سطح تحصیلات آن‌ها کاهش می‌یابد، نتیجه‌گیری کردند که برای نسل جوانی که در رأس شوک جمعیتی قرار گرفته، با افزایش نرخ بیکاری جوانان ارزش حال جریان درآمدی کاهش خواهد یافت و شدت این کاهش با افزایش سطح تحصیلات رابطه مثبت دارد و این موجب افت سرمایه‌گذاری روی تحصیلات دانشگاهی خواهد شد.

«ترکیب جنسیتی در دانشگاه‌ها» یکی از پدیده‌های اجتماعی در سالیان اخیر است که اقبال و موفقیت دختران در ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را نشان می‌دهد. افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها اگرچه به‌خودی‌خود قابل توجه است، فزونی تعداد دختران به پسران در تحصیلات آموزش عالی چشم‌گیرتر به نظر می‌رسد. هم‌اکنون زنان براساس آمارها، سهم زیادی در دوره‌های کارشناسی دارند، اما این سهم در مقاطع کارشناسی ارشد و به‌ویژه دکتری کاهش می‌یابد. همچنین سهم آنان در بازار کار ایران و موقعیت‌های شغلی پژوهشی و آموزشی اندک است. مسئله‌ای که نشان می‌دهد فرصت‌های آموزشی و شغلی برای زنان ایرانی، بیشتر در دوره‌های کارشناسی متمرکز شده و هنوز به محیط‌های اجتماعی، علمی و اقتصادی مانند بازار کار، تحصیلات تکمیلی به‌ویژه مقطع دکتری، تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سرایت نیافته است.

در بین رشته‌های دانشگاهی، درصد حضور زنان متفاوت بوده است. علوم سیاسی که سابقه آن به تأسیس اولین مدرسه علوم سیاسی ۱۲۷۸ بازمی‌گردد و پس از آن نیز با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ از نخستین رشته‌های دانشگاهی ایران محسوب می‌شود، امروزه در بیش از سی دانشگاه کشور دایر شده است. رشته علوم سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد با قدمتی بیش از هفتاد سال، رشته‌ای تازه تأسیس به‌شمار می‌آید. این رشته در سال ۱۳۷۸ و با تعداد ۴۳ دانشجو تأسیس شد. در سال نخست پذیرش دانشجو، ۵۸/۸ درصد دانشجویان این رشته را زنان تشکیل می‌دادند. بیشترین تعداد دانشجو در رشته علوم سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۲ پذیرش شد. در این سال در دانشگاه فردوسی مشهد ۷۲ نفر مشغول به تحصیل در رشته علوم سیاسی شدند. این تعداد در دوره بیست‌ساله این رشته در دانشگاه فردوسی بی‌سابقه بود. در سال ۱۴۰۰ این رشته در دانشگاه فردوسی مشهد با ۱۹۶ دانشجو در مقطع کارشناسی، ۱۸۳ دانشجو در مقطع ارشد و ۸۲ دانشجو در مقطع دکتری و ۱۱ عضو هیئت‌علمی مشغول به فعالیت است.

در همین ارتباط، طرح تحقیقاتی با عنوان جهت‌دهی تربیت نیروی انسانی در دانشگاه فردوسی مشهد در راستای افق بلندمدت فضای کسب‌وکار در کشور و استان‌های خراسان توسط معاونت طرح و برنامه دانشگاه فردوسی مشهد در تابستان ۱۳۹۱ و با مدیریت ناصر شاهنوشی انجام گرفت. این مطالعه به اولویت‌بندی رشته‌های دانشگاهی با توجه به فضای کسب‌وکار می‌پردازد. در راستای این هدف از چندین منبع اطلاعاتی شامل دانش‌آموختگان دانشگاه فردوسی، فضای کسب‌وکار (اسناد بالادستی فضای کسب‌وکار، نظرات مدیران ارشد)، گروه‌های آموزشی، سازمان سنجش و آموزش کشور و اسناد فرادستی آموزش عالی و دانشگاه فردوسی استفاده شد. در این پژوهش، اولویت‌بندی رشته‌های دانشگاهی، اولویت‌بندی رشته‌های موجود در دانشگاه فردوسی مشهد و اولویت‌بندی رشته‌های پیشنهادی فضای کسب‌وکار و رشته‌های دارای امتیاز برتر محاسبه‌شده از مرحله اول مطالعه شد. در این طرح تحقیقاتی در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۸ از بین ۲۴۵ دانش‌آموخته رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی، در بین ۱۴۸ نفر آن‌ها پرسشنامه توزیع شد. براساس

<sup>۱</sup>. Stapleton & Young

یافته‌های این پژوهش، تنها ۲۴ درصد فارغ‌التحصیلان شاغل هستند که از این بین، ۴۲ درصد شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود دارند. در این طرح تحقیقاتی، وضعیت زنان به صورت مستقل بررسی نشده و نتایج آن در مورد تمام فارغ‌التحصیلان فارغ از جنسیت آورده شده است.

در رشته‌های علوم انسانی، وضعیت اشتغال‌پذیری مورد توجه قرار گرفته و یکی از دغدغه‌های جامعه است؛ به طوری که سیاست‌های اقتصادی و تصمیم‌سازی‌های مجلس و دولت می‌تواند سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی را تحت تأثیر قرار دهد. بررسی تأثیر عامل جنسیت، رشته تحصیلی، داشتن کار دانشجویی و عضویت در تشکلهای دانشجویی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان، تفاوت‌هایی را در میزان اشتغال، احساس ثبات شغلی و دارا بودن شغل ثابت به نفع پسران رشته روان‌شناسی، افراد دارای کار دانشجویی و افراد فعال در تشکلهای دانشجویی نشان می‌دهد. فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی از شرایط اجتماعی مرتبط با کار، ارزیابی خوبی نداشته‌اند؛ به طوری که از نظر بیشتر آن‌ها، شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهم‌تر از مهارت داشتن ارزیابی شده است. آن‌ها زمینه‌سازی دانشگاه، برای اشتغال را کاملاً منفی ارزیابی می‌کنند، به گونه‌ای که بیشتر آن‌ها ابراز می‌دارند که مقدمات آشنایی با نیازهای بازار کار و سایر موارد لازم، ابدأ در دانشگاه فراهم نبوده است (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹).

آیز، ولاسیچ و واتسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) بر این مسئله تأکید می‌ورزند که امروزه آموزش‌های مربوط به فناوری‌های جدید اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاعاتی به عنوان یکی از مهارت‌های مهم شغلی باید بخش مهمی از هسته اصلی برنامه درسی مربوط به آموزش‌های شغلی را در رشته‌های مختلف تشکیل دهد. بریسی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) می‌نویسد در نظرسنجی‌های انجام شده در خصوص فهرست مطلوب‌ترین ویژگی‌های لازم برای یک مستخدم، عملکرد و نمرات تحصیلی بالای افراد در مقایسه با مهارت‌های کارآفرینی و نگرش‌های کاری، رتبه پایینی به دست آورد. مطالعه هایمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان داد از نظر اعضای هیئت‌علمی مهارت‌های مدیریتی، شناختی، ارتباطی و مهارت‌های فردی، ساختار مناسبی برای مهارت‌های شغلی و چارچوب کاری و راهنمای مناسبی در زمینه تربیت و ارزیابی دانشجویان در دانشگاه محسوب می‌شود و دانشگاه‌ها باید تلاش کنند این مهارت‌ها را در افراد ایجاد کنند.

در ارتباط با سایر رشته‌ها، وضعیت امید به اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تحصیلی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی کشور به طور معناداری در وضعیت پایین‌تر از حد مطلوب قرار دارد. این در حالی است که امید ناچیز به یافتن شغل پس از اتمام دوره تحصیل می‌تواند به نارضایتی، احساس بیهودگی، پدیده فرار مغزها و مهاجرت‌های درخورتأمل در جوانان تحصیل کرده دانشگاهی منجر شود. آنان تقویت شاخص امید به اشتغال را یکی از مؤلفه‌هایی می‌دانند که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در مهارت‌ها و دستیابی به نتایج مسیر شغلی ایفا کند (رضوی و همکاران، ۱۳۹۹). یا در ارتباط با دانشجویان کشاورزی در تحقیقی پنج مؤلفه اصلی احساس شایستگی، احساس معنادار بودن، احساس داشتن اختیار، احساس داشتن اعتماد و احساس تأثیرگذار بودن در تحلیل همبستگی و مدل تحلیل مسیر خود بررسی شد. یافته‌های آنان نشان داد اولویت اصلی در توانمندسازی و اشتغال‌پذیری به انجام فعالیت‌های درسی، اطمینان از برآورده کردن انتظارهای شغلی کارفرمایان در آینده و کسب نمره‌های بالا از درس‌های دانشگاهی دارای بیشترین اولویت هستند و در اولویت‌های آخر، توانایی کشف فرصت‌های شغلی مرتبط با رشته کشاورزی و بالابودن تقاضای نیروی کار برای مشاغل مربوط به رشته کشاورزی و اشتیاق کارفرمایان برای استخدام دانش‌آموختگان دانشگاه محل تحصیل در آخرین اولویت قرار گرفته‌اند. در

1. Ives, Valacich, & Waston

2. Bracey

3. Hyman

خصوص تأثیر جنس بر توانمندسازی روان‌شناختی نیز تفاوت معناداری بین مؤلفه‌هایی چون احساس شایستگی، احساس معناداربودن، احساس تأثیرگذاری و احساس داشتن اعتماد وجود داشته است. بین هریک از متغیرهای مستقل توانمندسازی روان‌شناختی و اشتغال‌پذیری دانشجویان جز متغیر احساس داشتن اعتماد، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به اعتقاد آنان می‌توان با آشناکردن دانشجویان با حیطه‌ها و موضوع‌های کارآفرینانه بخش کشاورزی و کارگاه‌های آموزشی در زمینه خوداشتغالی و ترویج فرهنگ خوداشتغالی قدم مؤثری برداشت (علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

از آنجا که آگاهی از وضعیت و منابع انسانی مبتنی بر جنسیت، از عوامل تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری‌های علم و موفقیت برنامه‌ها است، این پژوهش وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل دانش‌آموختگان زن مقطع کارشناسی علوم سیاسی را بررسی می‌کند. سؤال اصلی پژوهش این است که وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل دانش‌آموختگان زن رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد چگونه است. فرضیه این است که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن علوم سیاسی پایین‌تر از وضعیت اشتغال در کشور و پایین‌تر از وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان است که علت آن را می‌توان محدودیت‌های ساختاری و سیاست‌گذاری تحلیل کرد؛ برای مثال در پژوهشی این نتیجه عاید شد که معدل تحصیلی، محل زندگی، جنسیت، دوره‌های آموزشی پس از دانش‌آموختگی، کار دانشجویی و نوع گزینش، ارتباط معناداری با اشتغال ندارند. در مقابل، تبیین وضعیت اشتغال براساس مجموع متغیرهای مستقل به روش رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد متغیرهای رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، انجام کار پژوهشی، علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و وضعیت تحصیلی بر احتمال اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر معناداری دارند و قادرند واریانس آن را تبیین کنند (احمدی، ۱۳۹۴). عواملی نظیر تعداد زیاد دانش‌آموختگان، آشنابودن با کارفرمایان و نبود استخدام در بخش‌های دولتی، نبود اطلاعات کافی از وضعیت بازار کار و عدم تناسب رشته‌های آموزشی با نیازهای بخش اشتغال در استان و شهر، از دیدگاه دانش‌آموختگان به‌عنوان موانع جذب در بازار کار تلقی می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۱).

کرناسیاز، پاسارزکیز، میتسوپولوس و کریستودولو<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) به بررسی ابعاد و مسائل مختلف در خصوص کارآفرینی جوانان در مؤسسات آموزش عالی یونان پرداختند و بر نقش مهم کارآفرینی در شاخص‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه رشد، توسعه و اشتغال تأکید کردند. براساس این پژوهش، موفقیت در زمینه اشتغال، نیازمند تحریک طرز تفکر کارآفرینی در جوانان، تشویق کسب‌وکارهای نوآورانه، ترویج فرهنگ کارآفرینی و رشد کسب‌وکارهای کوچک است. بدریا سنتیگا<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) به تحلیل و بررسی فرایند انتقال آموزش‌های شغلی به بازار کار و شغل پرداخت. یافته‌های او نشان داد آموزش‌های شغلی در موفقیت افراد تحصیل‌کرده مؤثر بوده است. تحقیقات یادشده نشان می‌دهد متوازن کردن تحصیلات دانشگاهی با نیازهای بازار کار بسیار مهم و کلیدی است. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها نیز مبین آن است که علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و انجام کارهای پژوهشی در طول دوره تحصیل، در روند اشتغال‌پذیری تأثیر خواهد گذاشت. همچنین در خصوص درصد پایین اشتغال دانش‌آموختگان زن تبعیض‌های جنسیتی و عدم آشنایی کارفرمایان با قوانین کار، مهم‌تر از عواملی چون ازدواج و فرزندآوری برای زنان است. همچنین عدم تناسب رشته با بازار کار نیز از عوامل اشتغال پایین دانش‌آموختگان عنوان شده است. تحقیقات در کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های مهم شغلی و مهارت‌های مربوط به فناوری‌های جدید در روند اشتغال دانش‌آموختگان بسیار تأثیر خواهد داشت.

<sup>۱</sup>. Karanassio, Pazarskiz, Mitsopoulos, & Christodoulou

<sup>۲</sup>. Budria Santiago

ارزش‌گذاری مهارت‌های فردی و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دوران تحصیل، در تحقیقات فراوانی مورد توجه قرار گرفته و بر نقش مهم آموزش‌های شغلی در روند اشتغال‌پذیری تأکید شده است. به این منظور، تعداد دانشجویان زن و مرد در مقاطع مختلف آموزشی و در یک دوره ده‌ساله مطالعه شد. درصد زنان پذیرفته‌شده و تعداد آنان در رتبه‌های برتر هر سال، تأثیر گزینش‌های بومی در سال‌های مختلف بر وضعیت حضور زنان، علل کاهش نسبی سهم زنان در مقاطع تحصیلات تکمیلی، وضعیت دانش‌آموختگان زن در بازار کار، ارتباط شغل و تحصیل دانش‌آموختگان زن و تأثیر فعالیت‌های دانشجویی و موقعیت خانوادگی آن‌ها بر روند اشتغال در این مقاله بررسی شدند. با مرور تجربی و نظری، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود که با داده‌های جمع‌آوری شده به آن‌ها پاسخ می‌دهیم: وضعیت تحصیلی و دانش‌آموختگی فارغ‌التحصیلان زن رشته علوم سیاسی چگونه است؟ مهم‌ترین علل اشتغال و عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان زن رشته علوم سیاسی چیست؟ مهم‌ترین علل ادامه تحصیل و عدم ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان زن رشته علوم سیاسی چیست؟ کیفیت شغلی و ابعاد آن در بین دانش‌آموختگان زن رشته علوم سیاسی چگونه است؟ و عوامل کلیدی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان زن رشته علوم سیاسی چیست؟

## ۲. تأملات نظری

زنان در قرون متمادی، نقش اساسی و مهمی در پیشرفت و توسعه جوامع برعهده داشتند و در مراحل مختلف تاریخ به صورت‌های گوناگون این نقش را رقم زده‌اند. ویل دورانت می‌نویسد در اجتماعات اولیه، بخش وسیعی از پیشرفت اقتصادی توسط زنان رخ داده است نه مردان. در آن هنگام که مردان به شیوه‌های قدیمی مشغول شکار بودند، زنان در اطراف خیمه‌ها زراعت می‌کردند و هزاران هنر خانگی دیگر ایجاد کردند که هر کدام از آن‌ها روزی پایه صنایع بسیار مهم شدند. جذب سریع و وسیع زنان در بازار کار، ابتدا در کشورهای پیشرفته صنعتی تحقق یافت؛ به طوری که در سال ۱۹۵۵ جمعیت زنان شاغل در بخش غیرکشاورزی در برخی از کشورهای صنعتی افزایش چشمگیری پیدا کرد. زنان در بازار کار ایران، صد سال بعد از زنان در جوامع صنعتی جهان حضور یافتند (رجائی، ۱۳۹۶).

با توجه به بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفت، نشان داده شده است که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است. روش‌های سنتی توسعه، گاهی از طریق تفاوت-گذاردن بین زن و مرد در برخورداری از منافع، تعصبات مربوط به جنسیت را تشدید می‌کند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۶) از این رو، در دهه ۱۹۸۰، به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد و در پی آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع اتخاذ شد.

یکی از این راهبردها توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند (زندى و همکاران، ۱۳۹۱). بررسی‌های تطبیقی نرخ مشارکت زنان در ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد زنان مشارکت اقتصادی اندکی دارند. از این رو، ایران وضعیتی مشابه کشورهای توسعه‌نیافته با ساختار فرهنگی و اقتصادی خاص دارد (زندى و همکاران، ۱۳۹۱). نرخ عموماً پایین مشارکت نیروی کار، بخشی به کم‌شماری این نرخ و بخشی به عوامل فرهنگی مربوط می‌شود که قرن‌ها مانع فعالیت اقتصادی زنان خارج از خانه شده‌اند. کم‌شماری اصطلاحی است که در ادبیات جنسیت و توسعه، به‌ویژه با اثر پیشگام مرلین وارینگ<sup>۱</sup> به‌خوبی جا افتاده است.

<sup>۱</sup>. Marily Waring (1990)

دانشگاه نهاد اجتماعی، فرهنگی و علمی است. فلسفه وجودی دانشگاه، تولید خیر عمومی و رفاه اجتماعی از طریق علم‌ورزی، علم‌آموزی و دانش‌پژوهی است. این را از تأمل در تاریخیت دانشگاه نیز درمی‌یابیم. دانش دانشگاه وقتی با ارزش و مهم است که تأثیری بر رفاه اجتماعی داشته باشد، در تحول اجتماعی خود را به اشتراک بگذارد، سهمی در توسعه و رفاه بشر و در پایداری زیست‌بوم داشته باشد و نقش خود را در پاسخگویی و فهم سفارش‌های خاموش اجتماعی انجام دهد. دانشگاهی که نتواند سفارش‌های خاموش اجتماعی را در برنامه درسی، علم‌آموزی، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌های دکتری، در کلاس و درس خود متأملانه بفهمد و نتواند از طریق علم‌ورزی و علم‌آموزی، آن‌ها را پی‌جویی کند، فلسفه وجودی‌اش مخدوش می‌شود. در جامعه ما، دانشجویان از دو منظر شایان توجه و اهمیت بیشتری هستند: اول آنکه در گستره عمر خود، پرتوان‌ترین و آماده‌ترین دوران را سپری می‌کنند و دوم آنکه از بین جوانان به لحاظ توانمندی ذهنی و استعدادهای تحصیلی، دانشجویان گروهی برگزیده هستند (علیزاده اقدم، عباس‌زاده و ساعی، ۱۴۰۰: ۴۹۶).

یکی از کارکردهای مهم و کلیدی دانشگاه، افزایش توانمندی دانشجویان و آماده‌ساختن آن‌ها برای بازار کار است. اگرچه ایجاد اشتغال به‌عنوان هدف دانشگاه تعیین نشده است، دانشگاه‌های نسل سوم که به‌عنوان دانشگاه‌های کارآفرین معرفی می‌شوند، در فراهم‌سازی امکان اشتغال برای دانش‌آموختگان تلاش می‌کنند. نسل اول دانشگاهی تا میانه سده بیست میلادی بیشتر بر آموختن و یادگرفتن دانش تأکید دارد و عمدتاً حامل ارزش‌های کلاسیک مدرن و میراث عصر روشنگری و بعد از آن است. در نسل دوم دانشگاهی که طی دهه هشتاد به عرصه آمده است و تحت تأثیر گذر از عصر صنعت به پسا صنعت و جامعه اطلاعاتی است، پژوهش و پدیدآوری دانش اهمیت می‌یابد، بدون اینکه آموزش از آن جدا باشد. اما در نسل سوم که پدیده اوایل قرن بیست و یکم است، دانشگاه در بحبوحه تحولات بی‌سابقه‌ای قرار گرفته است، مانند گسست‌های پسامدرن، جامعه شبکه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی‌شدن. در این گیرودار، دانشگاه نیز خواه‌ناخواه با مطالبات تولید ارزش افزوده برای جامعه روبه‌رو است و چشم‌داشت از آن‌ها این است که نه تنها به آموزاندن و پدیدآوری دانش، بلکه به نوآوری و به کارآوری دانش بپردازند، به پدیدآوری فرصت‌های کسب‌وکار تازه برای جامعه با تکیه بر دانش روی بیاورند و از راه دانش ارزش‌آفرینی کنند (فراس‌تخواه، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

پژوهشگران سیاسی برای تحقیق درباره زنان یا سیاست‌گذاری در این باره می‌توانند از روش‌شناسی فمینیستی، سطوح گوناگون تحلیل، ادبیات‌تئوریک و جهت‌گیری‌های فرضیه‌ای آن استفاده کنند. در روش‌شناسی لازم نیست هر آنچه نظریه‌پردازان یک نحله فکری می‌گویند، چون عینک به چشم گذاشت و با چشم‌انداز آن موضوع را تحلیل کرد، بلکه می‌توان براساس فرهنگ، سنت و ارزش‌های بومی و ملی به گزینش و نقادی چارچوب‌های فکری پرداخت و روشی متناسب با موضوع انتخاب کرد. در فرایند تحقیق، روش چارچوبی برای نظم‌بخشیدن به داده‌ها و فراهم‌کردن زمینه‌ای برای آزمون نتایج علمی و پیمودن فرایند تحلیل علمی است. در این مقاله برای بررسی وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل دانش‌آموختگان زن رشته علوم سیاسی، رویکرد فمینیستی انتخاب شده است. رویکرد فمینیستی نگرشی تحلیلی است که با رویه‌ای انتقادی فرضیات جدیدی از فهم جامعه و سیاست را مطرح می‌کند. فمینیست‌ها اعتقاد دارند بشر تاکنون نیمی از جامعه بشری را نادیده انگاشته است. مذهب، فلسفه، علم و تمام صورت‌های دانش بشری جنس زن را حذف کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند اینکه ساختاری، اثباتی یا انتقادی باشید، تحقیق را گویای واقعیت جامعه نمی‌سازد. زبان مردسالار نیمی از بشر را به حیطة تحقیق وارد نمی‌کند. فمینیست‌ها با اعتراض به روش‌شناسی‌های موجود سعی دارند مبنای خود را دفاع از حقوق زنان، دیدن آنان و مشکلات آن‌ها در فرایند تحقیق قرار دهند (اسلامی، ۱۳۹۴: ۷۱). رویکرد فمینیستی لزوماً کیفی و اندیشه‌ای نیست، بلکه از روش‌های دیگر مثل اثبات‌گرایی نیز برای موضوع‌های مورد علاقه خود استفاده می‌کند. اما به هیچ وجه مفروضات روش‌های دیگر را قبول ندارد و در ذات خود انتقادی، رادیکال و طرفدار حقوق زنان به‌شمار می‌رود. آن‌ها تا حدی به دو شکل عملی و نظری خود را بازتولید کرده‌اند. گروهی به کارهای



روشنفکرانه و آکادمیک پرداخته‌اند و گروهی نیز به سمت جنبش‌های اجتماعی و سیاسی کشیده شده‌اند. دوبوآر، کریستوا، فایرستون، ایریگاری و... متفکران معروف این روش‌شناسی به حساب می‌آیند (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۵۶).

پژوهشگرانی که در تحلیل سیاسی بر جنسیت تأکید دارند و معتقدند زنان در رابطه‌ای نابرابر قرار گرفته‌اند، برای رفع موانع، راهکارهایی پیشنهاد می‌کنند. در ادبیات فمینیستی، راهکارها در سه سطح مطرح می‌شوند. سطح نخست مربوط به حق‌خواهی برای زنان در بعد سیاسی و اقتصادی است. زنان نیز مانند مردان باید بتوانند در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وارد شوند. این دسته از حق‌رأی، حق مالکیت و سایر حقوق اشتغال و فعال‌بودن زنان حمایت می‌کنند. در سطح دوم گفته می‌شود زنان باید عرصه فرهنگ و سازه‌های ذهنی مردم را درباره زن تغییر دهند. به اعتقاد این گروه مردسالاری ریشه در مدرسه، مساجد، کلیسا، دانشگاه، رسانه‌ها و فضاهای عمومی‌ای دارد که به‌علت اداره به دست مردان، زنان از آن‌ها حذف شده‌اند (لوید، ۱۳۸۷: ۱۴۵). به نظر این گروه باید از سطح خانواده تا دولت، به شکل فرهنگی و اندیشه‌ای با مردسالاری مبارزه کرد. سطح سوم دو گزاره بنیادین دارد. اول اینکه زنان به لحاظ معرفت و مبنای اندیشه‌ای متفاوت با مردان هستند و نباید برای حق برابر با مردان مبارزه کرد. دوم اینکه هر امر خصوصی، سیاسی است و اگر جامعه را به دو عرصه عمومی-خصوصی تقسیم کنیم و زنان را در بخش خصوصی، مورد ستم قرار دهیم، ظلمی مضاعف است. به این ترتیب سطح سوم از مادری و زنانگی دفاع می‌کند و به‌شدت رفتار خشونت‌گرا، تهاجمی، پوچ‌گرا و جنگ‌طلب مردان را مورد نقد قرار می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۰).

### ۳. روش پژوهش

در این پژوهش روش پیمایش مبتنی بر یک پرسشنامه محقق‌ساخته به دنبال بررسی اهداف و پاسخ به پرسش‌های تحقیق در نظر گرفته شده است. جامعه آماری کلیه دانشجویان رشته علوم سیاسی هستند که از سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و در حال حاضر فارغ‌التحصیل شده‌اند. با عنایت به دسترسی محدود به سال‌های اول این فارغ‌التحصیلان در سامانه آموزشی دانشگاه، اغلب پرسشنامه‌ها از فارغ‌التحصیلان جدید دریافت شد و هدف اصلی پژوهش نیز تمام‌شماری بود. اما با توجه به عدم امکان ارتباط و دریافت نظرات همه دانش‌آموختگان، درنهایت با دراختیارداشتن شماره تماس ۵۷ زن فارغ‌التحصیل، پرسشنامه به‌صورت تلفنی تکمیل شد. ابزار پژوهش براساس نظر کارشناسان خبره مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار گرفت و روایی محتوایی صوری آن تأیید شد. به این معنا که ابزار توانسته است اهداف و شاخص‌های پژوهش را بررسی کند. داده‌ها پس از گردآوری وارد نرم‌افزار SPSS و تجزیه و تحلیل شد. متغیرهایی که در این پژوهش به دنبال توصیف، تبیین و نسبت آن‌ها با یکدیگر هستیم عبارت‌اند از:

اشتغال: منظور از اشتغال در این بررسی حداقل ۲۰ ساعت کار در هفته با دریافت دستمزد است. در این تعریف، شرایط مندرج در قانون کار (حداقل دستمزد، ساعت کار، حق بیمه و...) مدنظر پژوهش نیست.

ادامه تحصیل: از هر دانش‌آموخته زن علوم سیاسی دانشگاه فردوسی سؤال شده که آیا پس از مدرک اخذشده از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه تحصیل داده است یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد یعنی ادامه تحصیل داده است.

دانش‌آموخته زن: به شخص مؤثی اطلاق می‌شود که مدرک تحصیلی خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت کرده باشد. به این ترتیب دانشجویانی که تغییر رشته داده‌اند یا به دلایلی انصراف یا ممنوعیت از تحصیل داشته‌اند و حتی دانشجویانی که مدرک کارشناسی خود را دریافت نکرده‌اند و در وضعیت راکد آموزشی به سر می‌برند، از لیست دانش‌آموختگان حذف شده‌اند.

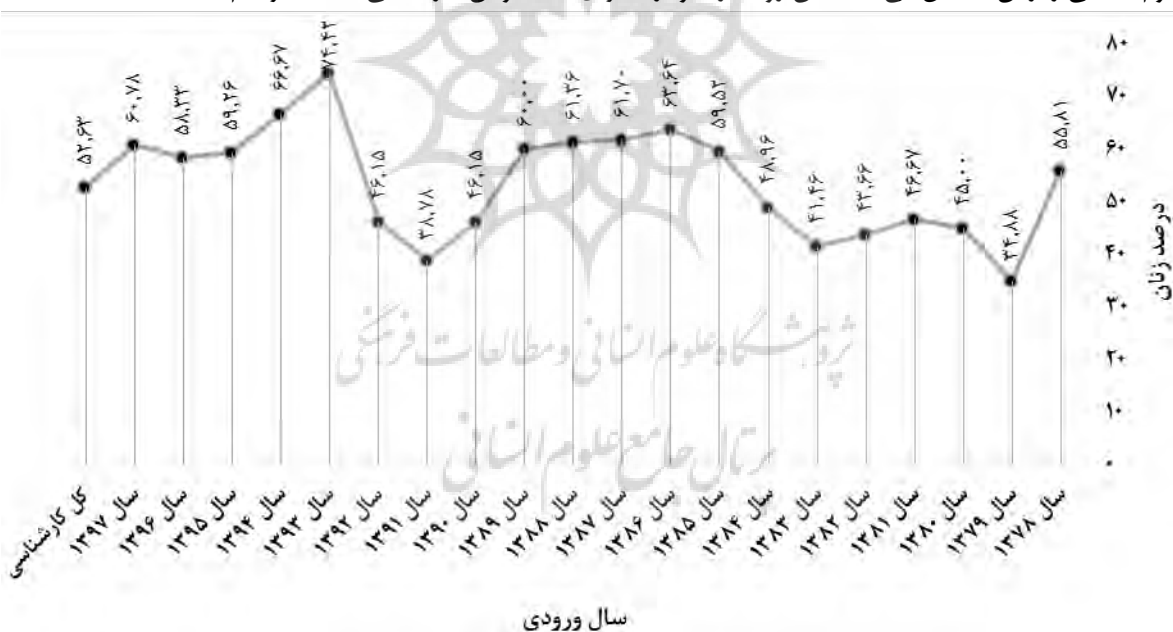
#### ۴. یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ وضعیت کلی دانشجویان رشته علوم سیاسی به تفکیک مقاطع تحصیلی نشان داده شده است.

جدول ۱. توصیف وضعیت دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۷

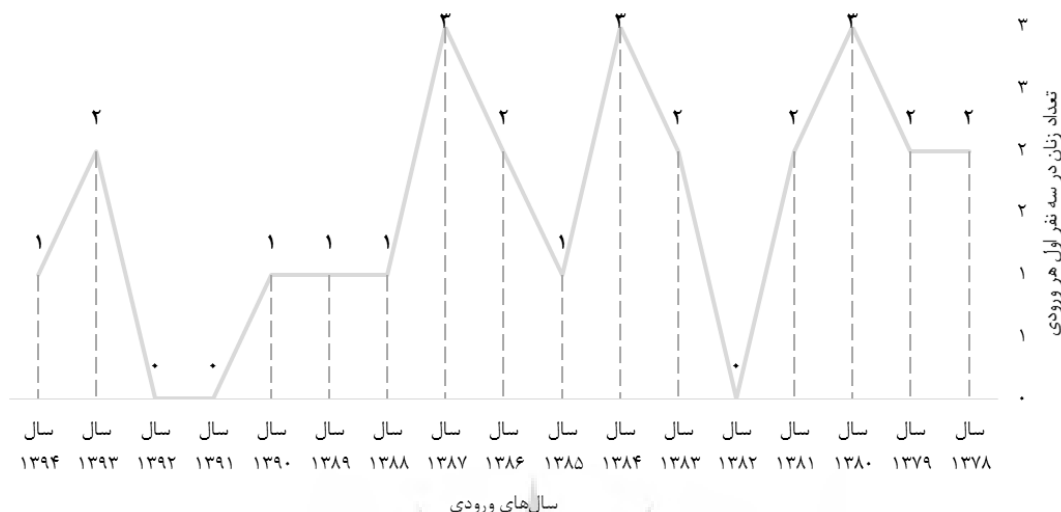
ردیف	مقطع	گرایش	روزانه		شبانه		جمع کل	جمع زنان	درصد زنان
			مردان	زنان	مردان	زنان			
۱	کارشناسی	بدون گرایش	۳۱۳	۲۷۴	۱۳۰	۱۲۲	۹۴۹	۵۰۶	۵۳/۳
۲	کارشناسی ارشد	روابط بین‌الملل	۵۸	۲۴	۹۲	۲۳	۴۰۳	۱۱۱	۲۷/۵
۳		علوم سیاسی	۷۸	۴۷	۶۲	۱۷			
۴	دکتری	اندیشه سیاسی	۱۰	۵	۵	۰	۴۶	۷	۱۵/۲
۵		مسائل ایران	۱۵	۲	۲	۰			
۶		علوم سیاسی	۱	۰	۶	۰			

براساس این جدول، در دوره کارشناسی ۵۳ درصد، در دوره کارشناسی ارشد ۲۷ درصد و در مقطع دکتری ۱۵ درصد دانشجویان رشته علوم سیاسی را زنان تشکیل می‌دهند. این روند در نمودار ۱ برای دانشجویان کارشناسی به‌دقت ترسیم شده است.



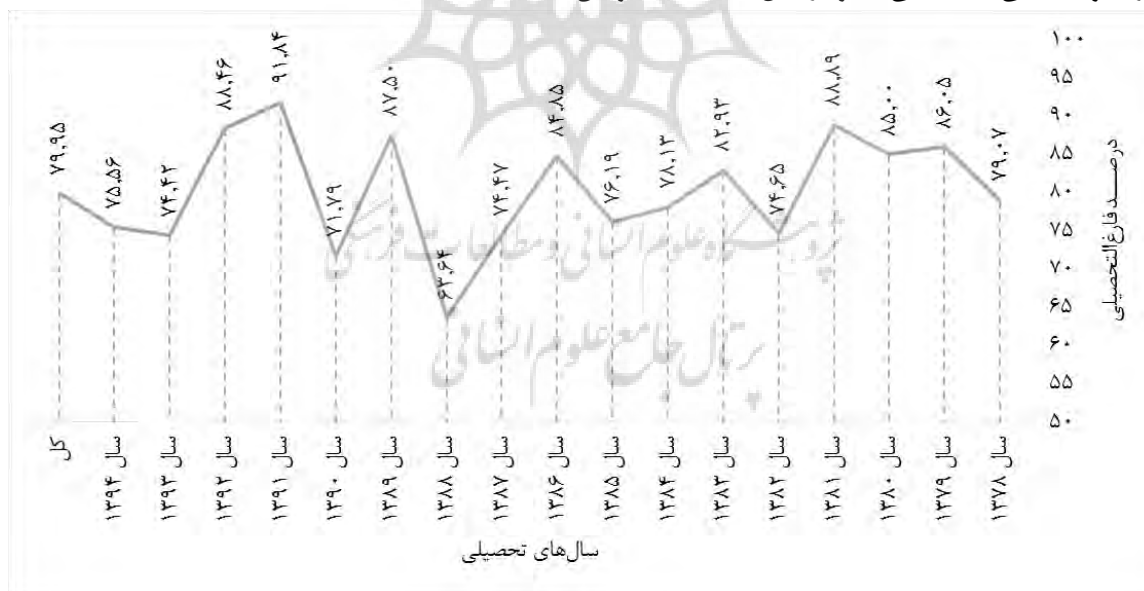
نمودار ۱. وضعیت درصد دانشجویان زن دوره کارشناسی در رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی (۱۳۷۸-۱۳۹۷)

نمودار ۱ نشان می‌دهد هرچند در کل دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی حدود ۵۳ درصد دانشجویان زنان هستند، این وضعیت در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۷ دارای نوسان بوده است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۳ بیشترین درصد دانشجویان زن، ۷۴ درصد و در سال ۱۳۷۹ کمترین آن‌ها با ۳۵ درصد بوده است.



نمودار ۲. وضعیت تعداد دانشجویان زن دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی در بین سه نفر اول

براساس نمودار ۲، در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷ سه نفر اول از زنان و در سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ سه نفر اول از مردان بوده‌اند. در مجموع نیز با توجه به اینکه تعداد سه نفر اول هر ورودی دوره مورد بررسی بوده‌اند، ۵۱ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. این وضعیت از الگوی خاصی تبعیت نمی‌کند و در سال‌های مختلف نوسان داشته است.



نمودار ۳. وضعیت فارغ‌التحصیلی دانشجویان زن دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

نمودار ۳ وضعیت فارغ‌التحصیلی دانشجویان زن دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی را نشان می‌دهد. به‌طور کلی میزان فارغ‌التحصیلان این رشته ۸۰ درصد بوده است. بیشترین میزان ترک تحصیل و تغییر رشته در سال ۱۳۸۸ و کمترین میزان

فارغ‌التحصیلی در همین سال با ۶۴ درصد و بهترین وضعیت فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۹۱ با ۹۲ درصد بوده است. این موضوع در صورتی که به تفکیک زنان در نظر گرفته شود، نتایج مشابهی به دست می‌دهد.

در ادامه به شرح مصاحبه‌های تلفنی انجام‌شده در قالب پرسشنامه پرداخته می‌شود. بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد بیشتر دانش‌آموختگان زن یعنی ۵۶ درصد آن‌ها در حال حاضر متأهل هستند. همچنین ۵۱ درصد شاغل، ۲۱ درصد خانه‌دار، ۱۰ درصد در حال ادامه تحصیل، ۹ درصد بیکار و ۹ درصد دیگر نیز قبلاً شاغل و در حال حاضر بیکار هستند. با این حساب ۵۱ درصد کل پاسخگویان زن، شاغل و ۴۹ درصد دیگر بدون شغل هستند. در بین افراد شاغل ۶۷ درصد در مشاغل آزاد و ۳۳ درصد در مشاغل دولتی مشغول‌اند. همچنین ۲۹ درصد دارای شغل پاره‌وقت و ۷۱ درصد نیز دارای شغل تمام‌وقت هستند. اغلب آن‌ها یعنی ۶۱ درصد به‌صورت قراردادی و ۲۳ درصد رسمی، ۱۱ درصد شرکتی و ۴ درصد نیز پیمانی مشغول به کارند.

بیشتر پاسخگویان به میزان ۴۹ درصد رضایت بالا و ۱۴ درصد نیز رضایت کمی از شغل خود دارند و بیشتر آن‌ها یعنی ۳۵ درصد حقوق کمتر از ۲ میلیون تومان دریافت می‌کنند. همچنین ۶۱ درصد آن‌ها در مقاطع بالاتر ادامه تحصیل داده و ۳۹ درصد ادامه نداده‌اند. در بین افرادی که ادامه تحصیل داده‌اند ۷۵ درصد در همان رشته علوم سیاسی و ۲۵ درصد در سایر رشته‌ها مشغول به تحصیل شده‌اند. در حال حاضر نیز ۹۴ درصد آن‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

حدود ۷۰ درصد دانش‌آموختگان زن به رشته علوم سیاسی علاقه‌مند هستند و ۴۵ درصد خود را در این رشته موفق می‌دانند. ۴۲ درصد متولد شهر مشهد، ۳۱ درصد متولد سایر شهرهای استان و ۲۷ درصد نیز متولد سایر استان‌ها هستند. در حال حاضر ۵۷ درصد آن‌ها در شهر مشهد، ۱۸ درصد در سایر شهرهای استان و ۲۴ درصد نیز در سایر استان‌ها زندگی می‌کنند. شغل پدر ۷۲ درصد آن‌ها، دولتی و ۲۸ درصد آزاد است و ۳۷ درصد پدرانشان بین ۲ تا ۴ میلیون تومان درآمد دارند. ۸۷ درصد مادران پاسخگویان خانه‌دار هستند. ۵۸ درصد پاسخگویان در تشکلهای دانشجویی عضویت داشته‌اند که بیشترشان در انجمن علمی علوم سیاسی به میزان ۴۸ درصد و سپس بسیج دانشجویی ۲۴ درصد بوده است. ۷۶ درصد در خارج از دانشگاه عضو تشکل خاصی نیستند. مهم‌ترین دلایل پاسخگویان برای اشتغال آن‌چنان که در جدول ۲ آمده است، به ترتیب کسب استقلال مالی، کسب وجهه اجتماعی، کسب اعتمادبه‌نفس، نیاز مالی، موقعیت بهتر برای ازدواج، انتظارات و نگاه اطرافیان و جامعه، تحمیل و اجبار خانواده و سایر علل است.

## جدول ۲. توصیف مهم‌ترین دلایل اشتغال دانش‌آموختگان زن

درصد پاسخگویان	فراوانی تکرار	مهم‌ترین دلایل اشتغال
۴۲/۱۱	۲۴	استقلال مالی
۲۹/۸۲	۱۷	کسب وجهه اجتماعی
۲۶/۳۲	۱۵	کسب اعتمادبه‌نفس
۱۹/۳۰	۱۱	نیاز مالی
۱۲/۲۸	۷	موقعیت بهتر برای ازدواج
۱۰/۵۳	۶	انتظارات و نگاه اطرافیان و جامعه
۵/۲۶	۳	تحمیل و اجبار خانواده
۱۰/۵۳	۶	سایر

مهم‌ترین دلایل پاسخگویان برای عدم اشتغال به‌ترتیب کمبود فرصت شغلی، ازدواج، ضعف آموزش مهارتی، پایین بودن دستمزد، فرزندآوری، آمادگی برای آزمون ارشد، ادامه تحصیل و سایر بوده است. همان‌طور که در جدول ۳ آمده است، پاسخگویان مهم‌ترین علت عدم اشتغال را در کمبود فرصت‌های شغلی در رشته علوم سیاسی می‌دانند.

جدول ۳. توصیف مهم‌ترین دلایل عدم اشتغال دانش‌آموختگان زن

مهم‌ترین دلایل عدم اشتغال	فراوانی تکرار	درصد پاسخگویان
کمبود فرصت شغلی	۱۲	۲۱/۰۵
ازدواج	۳	۵/۲۶
ضعف آموزش مهارتی	۲	۳/۵۱
پایین بودن دستمزد	۲	۳/۵۱
فرزندآوری	۲	۳/۵۱
آمادگی برای آزمون ارشد	۲	۳/۵۱
ادامه تحصیل	۱	۱/۷۵
سایر	۱	۱/۷۵

براساس جدول ۴ مهم‌ترین دلایل پاسخگویان برای ادامه تحصیل به‌ترتیب علاقه به رشته، کسب مدرک تحصیلی بالاتر، کسب وجهه اجتماعی، توانمندسازی شخصی، کسب شغل، ارتقای شغلی و سایر علل بوده است؛ بنابراین کسب شغل در اولویت‌های چهارم و مهم‌ترین دلایل ادامه تحصیل آن‌ها علاقه به رشته و کسب مدرک ذکر شده است.

جدول ۴. توصیف مهم‌ترین دلایل ادامه تحصیل دانش‌آموختگان زن

مهم‌ترین دلایل ادامه تحصیل	فراوانی تکرار	درصد پاسخگویان
علاقه به رشته	۲۲	۳۸/۶۰
کسب مدرک تحصیلی بالاتر	۱۷	۲۹/۸۲
کسب وجهه اجتماعی	۱۳	۲۲/۸۱
توانمندسازی شخصی	۱۱	۱۹/۳۰
کسب شغل	۱۰	۱۷/۵۴
ارتقای شغلی	۷	۱۲/۲۸
سایر	۱	۱/۷۵

براساس جدول ۵ مهم‌ترین دلایل پاسخگویان برای عدم ادامه تحصیل به‌ترتیب عدم تأثیر ادامه تحصیل، پشت کنکور بودن، نیاز مالی به شغل دیگر، فرزندآوری، عدم علاقه به رشته، ازدواج و سایر علل بوده است.

جدول ۵. توصیف مهم‌ترین دلایل عدم ادامه تحصیل دانش‌آموختگان زن

درصد پاسخگویان	فراوانی تکرار	مهم‌ترین دلایل عدم ادامه تحصیل
۱۲/۲۸	۷	عدم تأثیر ادامه تحصیل
۷/۰۲	۴	پشت کنکور
۵/۲۶	۳	نیاز مالی به شغل
۵/۲۶	۳	فرزندآوری
۱/۷۵	۱	عدم علاقه به رشته
۱/۷۵	۱	ازدواج
۱/۷۵	۱	سایر

برای سنجش میزان تأثیر برخی از عوامل قابل‌احصاء، بر میزان اشتغال دانش‌آموختگان زن در رشته علوم سیاسی از آزمون رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۶ ارائه می‌شود.

جدول ۶. تأثیر عوامل مختلف بر اشتغال دانش‌آموختگان زن

معناداری	مقدار F	خطای استاندارد	ضریب تعیین	همبستگی	معناداری	مقدار t	بنا	
۰/۰۱	۲۵/۰۷	۰/۸۵	۰/۵۷	۰/۷۷	۰/۰۱	۴/۸۶	۰/۳۴	گرایش به زندگی در مشهد
					۰/۰۱	-۷/۳۳	-۰/۴۵	شغل دولتی پدر
					۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۵۰	اشتغال مادر
					۰/۰۱	۴/۱۶	۰/۳۸	عضویت در تشکلهای دانشجویی
					۰/۰۱	۶/۹۶	۰/۴۲	عضویت در تشکلهای خارج دانشگاه
					۰/۰۱	-۵/۵۷	-۰/۳۳	تمایل به ادامه تحصیل
					۰/۰۱	-۲/۰۹	-۰/۱۵	گرایش به رشته علوم سیاسی
					۰/۰۱	-۲/۷۶	-۰/۲۴	میزان علاقه به رشته
					۰/۰۱	-۲/۶۳	-۰/۱۵	میزان موفقیت در تحصیل

جدول ۶ نشان می‌دهد متغیرهای گرایش به زندگی در مشهد، شغل دولتی پدر، اشتغال مادر، عضویت در تشکلهای دانشجویی، عضویت در تشکلهای خارج دانشگاه، تمایل به ادامه تحصیل، گرایش به رشته علوم سیاسی، میزان علاقه به رشته و میزان موفقیت در تحصیل در مقادیر متفاوت بر اشتغال دانش‌آموختگان مؤثر است. این متغیرها به میزان ۵۷ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی اشتغال را تبیین کرده‌اند. همچنین به میزان ۰/۷۷ با متغیر وابسته همبستگی دارند. از سوی دیگر معناداری آزمون F نیز نشان می‌دهد مدل رگرسیونی برازندگی لازم را داراست.

مطابق یافته‌های این جدول، متغیرهای گرایش به زندگی در مشهد (۰/۳۴)، عضویت در تشکلهای دانشجویی (۰/۳۸) و عضویت در تشکلهای خارج دانشگاه (۰/۴۲) تأثیر مثبت و مستقیم و متغیرهای گرایش شغل دولتی پدر (-۰/۴۵)، اشتغال مادر (-۰/۵۰)، تمایل به ادامه تحصیل (-۰/۳۳)، گرایش به رشته علوم سیاسی (-۰/۱۵)، میزان علاقه به رشته (-۰/۲۴) و میزان موفقیت در تحصیل (-۰/۱۵) تأثیر منفی و معکوس بر شاغل شدن دانش‌آموختگان دارد. در تحلیل این یافته‌ها می‌توان گفت هرچه فارغ‌التحصیلان گرایش بیشتری به زندگی در مشهد داشته و از سوی دیگر در تشکلهای دانشجویی و خارج دانشگاه عضویت داشته باشند، احتمال اشتغال

آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر شغل دولتی پدران، اشتغال مادران، تمایل به ادامه تحصیل به‌جای اشتغال، گرایش، علاقه و موفقیت در رشته علوم سیاسی سبب می‌شود تا احتمال اشتغال آن‌ها کاهش یابد و به‌نوعی اشتغال افراد تأثیر مستقیم از این متغیرها نمی‌پذیرد.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

زنان در علوم سیاسی با موانع چندوجهی روبه‌رو هستند که مانع از پیشرفت شغلی آن‌ها می‌شود. مطالعات بر تفاوت‌های تجربیات در طول تحصیلات تکمیلی، انتقال به نقش‌های هیئت‌علمی، و تلاقی مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی تأکید می‌کنند. درحالی‌که مردان و زنان به‌عنوان دانشجویان فارغ‌التحصیل آرزوهای شغلی مشابهی دارند، زنان با چالش‌هایی مانند حمایت ناکافی در انتشار و ارائه تحقیقات، عدم کمک در جست‌وجوی شغل و ملاحظات فرصت‌های شغلی همسر هنگام جست‌وجوی کار مواجه می‌شوند. تفاوت‌های جنسیتی در حقوق و ارتقای بیشتر بر نابرابری‌های موجود تأکید می‌کند؛ به‌طوری‌که زنان پس از در نظر گرفتن عوامل مختلف، کمتر از هم‌تایان مرد درآمد دارند.

بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای در حال توسعه است. از آنجا که در هر جامعه، هزینه‌های سنگینی برای آموزش افراد به‌منظور دستیابی آن‌ها به شغل و همچنین پاسخگویی به نیازهای بازار کار پرداخت می‌شود، بیکاری دانش‌آموختگان به معنی ازدست‌رفتن سرمایه‌های مادی، علمی و فرهنگی است که اثرات زیانباری بر جامعه بر جای خواهد گذاشت و می‌بایست به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، مورد تحقیق قرار گیرد. یکی از علل مهم افزایش بیکاری در بین دانش‌آموختگان، متناسب‌نبودن رشته‌ها و آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار است. انتزاعی بودن متون درسی دانشگاه‌ها و تطبیق‌نداشتن آن‌ها با واقعیت‌های اجتماعی علت مهم دیگری است که به بیکاری دانش‌آموختگان دامن می‌زند. با این حال واقعیت آن است که فراگیری حرفه‌های مختلف و کسب تخصص در زمینه‌های گوناگون در حین تحصیل می‌تواند بار اقتصادی و روانی ناشی از بیکاری دانش‌آموختگان را کاهش دهد.

در خصوص وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، عضویت در تشکل‌های دانشجویی (۰/۳۸) و عضویت در تشکل‌های خارج دانشگاه (۰/۴۲) تأثیر مثبت و مستقیم بر اشتغال دانشجویان دارد. از این منظر باید گفت آموزش مناسب نیروی کار کماکان حلقه مفقوده نظام آموزشی کشور محسوب می‌شود و چنانچه متولیان در برنامه‌های درازمدت به امر آموزش حین تحصیل هدفمند دانشجویان توجه جدی داشته باشند، پدیده بیکاری دانش‌آموختگان کاهش خواهد یافت.

در این پژوهش نشان داده شد وضعیت اشتغال در بین دانش‌آموختگان زن علوم سیاسی نسبت به مردان وضعیتی به‌مراتب بدتر دارد. با اینکه ۵۱ درصد افراد مصاحبه‌شونده در این پژوهش در حال حاضر شاغل هستند، در بین افراد شاغل، اکثریت با زانی است که بعد از تحصیل به شغل آزاد روی آورده‌اند. این در حالی است که ۲۱ درصد خانه‌دار، ۱۰ درصد در حال ادامه تحصیل، ۹ درصد بیکار و ۹ درصد دیگر نیز قبلاً شاغل و در حال حاضر بیکار هستند. با این حساب ۵۱ درصد کل پاسخگویان زن، شاغل و ۴۹ درصد دیگر بدون شغل هستند. در بین افراد شاغل ۶۷ درصد در مشاغل آزاد و ۳۳ درصد در مشاغل دولتی مشغول‌اند. همچنین ۲۹ درصد دارای شغل پاره‌وقت و ۷۱ درصد نیز دارای شغل تمام‌وقت هستند. اغلب آن‌ها یعنی ۶۱ درصد به‌صورت قراردادی و ۲۳ درصد رسمی، ۱۱ درصد شرکتی و ۴ درصد نیز پیمانی مشغول به کارند.

این مهم به ترکیب جنسیتی در ادارات دولتی اشاره دارد. در بیشتر آزمون‌های استخدامی، یا رشته علوم سیاسی اصلاً لحاظ نمی‌شود یا اولویت در رتبه‌بندی با مردان است. بسیاری از ردیف‌های شغلی در اداراتی که به دانش‌آموختگان علوم سیاسی نیازمند هستند، در اختیار مردان است و هنوز باور به اینکه علوم سیاسی رشته‌ای مردانه است، بر اشتغال دانش‌آموختگان زن در این رشته تأثیر گذاشته است.

مشکل بیکاری دانش‌آموختگان محدود به رشته علوم سیاسی نیست و حل این معضل همگانی، نیازمند توان حداکثری و همکاری نهادها و سازمان‌های مربوط است. طبق یافته‌های پژوهش و در راستای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم سیاسی پیشنهاد می‌شود تغییر سرفصل‌ها و متناسب‌ساختن آموزش‌های دانشگاهی با بازار کار، تلاش برای الزام نهادهای دولتی جهت استفاده از دانش‌آموختگان این رشته، موقعیت برابر برای زنان در آزمون‌های استخدامی، آموزش دانشجویان جهت فعالیت‌های عمومی و جمعی با شرکت در انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی، توانمندساختن زنان برای پذیرفتن مسئولیت‌های مهم و نقش‌های مدیریتی، برگزاری دوره‌های آموزشی در بستر ادارات دولتی، افزایش ارتباط جامعه با گروه‌های آموزشی علوم سیاسی، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مشترک بین دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی و اجرای پژوهش‌های کاربردی علوم سیاسی در دستور کار قرار گیرد.

**مأخذ مقاله:** تألیف مستقل؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

## منابع

- احمدی، سیروس، مختاری، مریم، و حسین‌نژاد، قدم (۱۳۹۴). ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشگاه یاسوج). *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۷(۴)، ۲۰-۱.
- اسلامی، روح اله (۱۳۹۴). *سیاست به‌مثابه تکنیک؛ مبانی روشی علم سیاست*. تهران: خرسندی.
- تانگ، زمری (۱۳۸۷). *درآمدی جامع بر نظریات فمینیستی*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
- رجائی، راحله (۱۳۹۶). بررسی اثر سهم اشتغال زنان بر بهره‌وری نیروی کار در ایران، *رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد*.
- زرافشانی، کیومرث، خالدی، خوشقدم، و غنیان، منصور (۱۳۸۸). تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی ترویجی براساس نردبان مشارکت شری ارنستین. *مجله پژوهش زنان*، ۷(۳)، ۱۰۷-۱۲۸.
- زند، فاطمه، دامن‌کشیده، مرجان و مرادحاصل، نیلوفر (۱۳۹۱). نقش رشد اقتصادی بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب آسیا. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ*، ۳(۱۱)، ۱۱۱-۱۲۵.
- سعیدی رضوانی، محمود، محمدحسین‌زاده، معصومه، و باغلی، حسین (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۵۷-۸۶. <https://doi.org/10.22067/ijap.v11i2.8073>
- سنجابی، علیرضا (۱۳۸۴). *روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل*. تهران: قومس.
- شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۱). جهت‌دهی تربیت نیروی انسانی در دانشگاه فردوسی مشهد در راستای افق بلندمدت فضای کسب‌وکار در کشور و استان‌های خراسان، گزارش طرح پژوهشی، معاونت طرح و برنامه دانشگاه فردوسی مشهد.
- صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲(۳۹)، ۴۱-۶۰.



صفری شالی، رضا (۱۳۸۵). عوامل فرهنگی و اجتماعی با میزان مشارکت زنان روستایی در امور مسائل خانوادگی. *مجله پژوهش زنان*، ۶(۱)، ۱۳۷-۱۵۹.

عزیزی، محمد (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر متوازن نمودن تحصیلات دانشگاهی با نیازهای بازار کار، گزارش طرح پژوهشی، دفتر مطالعات اجتماعی (گروه آموزش و تحقیقات).

علی‌پور، پروین؛ زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۲)، ۲۰۳-۲۲۹.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2017.233842.527>

علیزاده اقدم، محمدباقر، عباس‌زاده، محمد و ساعی، مرضیه (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی فرسودگی تحصیلی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱(۲)، ۴۸۹-۵۱۶.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.319915.1191>

فرستخواه، مقصود (۱۳۹۶). گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران. تهران: آگاه.

قانع‌ی‌راد، محمدمبین (۱۳۹۸). جایگاه زنان در آموزش عالی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کریمی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی وضعیت و چالش‌های پیش‌روی اشتغال دانش‌آموختگان زن دانشگاه. *نامه آموزش عالی*، ۵(۲۰)، ۸۱-۹۸.

لوید، ژنویو (۱۳۸۷). عقل مذکر. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: نی.

محتشمی، بتول (۱۳۸۳). پیش‌نویس سیاست‌های بهبود وضعیت زنان در آموزش عالی. ویرایش چهارم. تهران: شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). تحول در نظریات روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

Ahmadi, S., Maryam, B., & Hosseinnejad, Gh. (2014). Evaluation of the employment status of humanities graduates and factors affecting it (Case study: Yasouj University). *Iran's Higher Education*, 7(4), 1-20. (In Persian)

Alizadeh Aghdam, M. B., Abbaszadeh, M., & Saei, M. (2022). A Sociological Study of Students' Academic Burnout (Case Study: Students of Tabriz University). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 11(2), 489-516. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.319915.1191> (In Persian)

Azizi, Mohammad (2018), *an introduction to balancing university education with the needs of the labor market*, Islamic Council of Iran Research Center, Social Studies Office (Education and Research Department), specialized report.

Bracey, G. W. (2006). Students do not need high-level skills in today's job market, *Education Digest: Essential Readings Condensed for Quick Review*, 72(4), 24-28.

Budria, S., & Pereira, P. T. (2008). The Contribution of Vocational Training to Employment, Job-Related Skills and Productivity: Evidence from Madeira Island, *IZA Discussion Papers* 3462, Institute for the study of Labor (IZA). <https://doi.org/10.1111/j.1468-2419.2008.00315.x>

Eslami, R. (2014). *politics as a technique; Methodical foundations of political science*. Tehran: Khorsandi.

Farastkhah, M. (2016), *University in Iran sometimes and occasionally*. Tehran: Agah Publications.

Haghighat, S. S. (2007), *Political Science Methodology*. Qom: Mofid University Publishing Organization.

Hyman, M. R., & Hu, J. (2005). Assessing faculty beliefs about the importance of various marketing job skills. *Journal of Education for Business*, 81(2), 3-18. <https://doi.org/10.3200/JOEB.81.2.105-110>

Ives, B. and Valacich, J. and Waston, T.R. (2002). What every business student needs to know about information system, *Communications of the Association Systems*, 9, 467-477. <https://doi.org/10.17705/1CAIS.00930>

Karanssio, N., Pazarskiz, M., Mitsopoulos, K., & Christodoulou, P. (2006). EU strategies to encourage youth entrepreneurship: Evidence from higher education in Greece, *Industry and Higher Education*, 20(1), 43-50. <https://doi.org/10.5367/000000006776150747>

- Karimi, F. (2013). A Study of Situation and Challenges in front of University Women Alumni's Employment. *Higher Education Letter*, 5(20), 81-98. (In Persian)
- Korenman, S., & David, N. (1997). Cohort Crowding and Youth Labor Markets: Across National Analysis. *Journal of Population Economics*, 25(11), 224-312.
- Lloyd, G. (2002). *The man of reason: "Male" and "female" in western philosophy*. Translated by: M. Mohajer. Tehran: Ney Publishing.
- Mohtashmi, B. (2013). *Draft policies for improving the status of women in higher education* (4<sup>th</sup> Ed.). Tehran: Women's Cultural-Social Council. (In Persian)
- Moshirzadeh, H. (2006), *Evolution in the theories of international relations*, Tehran: Samt.
- Qanei Rad, M. A. (2018). *Women's position in Iran's higher education*. Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute.
- Rajaei, R. (2016). Investigating the effect of women's employment on labor productivity in Iran, *Master's Thesis*, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Safarishali, R. (2008). A Study on Social and Cultural Factors Related to the Participation Level of Rural Women. *Woman in Development & Politics*, 6(1), 137-159. (In Persian)
- Saidi, M., Mohammadhossainzadeh, M., & Baghgoli, H. (2011). the fate of graduateds of School of Educational and psychological Sciences the explanation of. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 11(2), 57-86. <https://doi.org/10.22067/ijap.v11i2.8073> (In Persian)
- Salehi, E. (2016). Employment Status of Female Graduates. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(1), 41-60. (In Persian)
- Sanjabi, A., (2004). *Methodology in Political Science and International Relations*. Tehran: Qomess.
- Shahnushi, N. (2012), *Orientation of human resources training in Ferdowsi University of Mashhad in line with the long-term horizon of the business environment in the country and Khorasan provinces*, Vice President of Planning and Program of Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Stapleton, D. C., & Young, D. J. (1988). Educational attainment and cohort size. *Journal of Labor Economics*, 31, 330-361. <https://doi.org/10.1086/298186>
- Tang, R. (2007). *A comprehensive introduction to feminist theories*. Translated by: M. Najm Iraqi. Tehran: Ney Publishing.
- Zandi, F., Damankeshideh, M., & MuradHasel, N. (2011). The role of economic growth on women's participation in selected Asian countries. *Cultural Psychology of Women*, 4(11), 111-125. [https://journals.iau.ir/article\\_523301.html](https://journals.iau.ir/article_523301.html) (In Persian)
- Zarafshani, K., Khaledi, K., & Ghanian, M. (2008) Explaining rural womens' participation in extension education program based on Arnstein's ladder of citizen participation model. *Women's Research Journal*, 7(3), 107-128. (In Persian)